

آیین علمداری و علم‌بندی

علمداری رسومی دارد که این روزها متأسفانه به خوبی انجام نمی‌شود مثلاً در روزهای اول محرم پیشکسوت علمداران که شخصی ریش سفید و قابل احترام برای عموم بوده همه علامت کیشان را به خانه خود دعوت می‌کرده و پس از عزاداری و صرف غذا، همراه یکدیگر شروع به بستن علامت می‌کرده‌اند. در این مجالس احترام به پیشکسوتان و پیران، خودآموزش اخلاق بوده است. پس از بستن علم، علامت کیشان آن را به سوی هیئت یا حسینیه حرکت می‌داده و در آنجا مستقر می‌کرده‌اند.

معمولاً علمداران یک نفر از پیشکسوتان علم‌کشی را به عنوان چویدار خود انتخاب می‌کرده‌اند تا با تجربه خود در مسیر حرکت دسته، هم علم را حرکت داده هم علم‌کشان را یک به یک عوض کند. یکی دیگر از وظایف چویدار این بوده که وقتی به دسته دیگری در مسیر می‌رسیده‌اند، با ادب و احترام خاصی به دسته روبرو سلام کرده و به حرکت خود ادامه می‌داده است.

این آداب و رسوم علم‌کشی به نوعی آموزش تواضع و فروتنی بوده است؛ یک مکتب آموزشی برای جوانان تازه‌کار تا در محضر پیران و پیشکسوتان، درس اخلاق بیاموزند.

وضو گرفتن و غسل کردن قبل از علم‌کشی هم یکی از آداب رایج در قدیم بوده است. همچنین برای دوری از چشم‌بد، بعد از بستن علامت و درست قبل از حرکت دادن آن، گوسفندی را قربانی کرده و گوشت آن را بین نیازمندان و فقرای محله تقسیم می‌کرده‌اند.

درباره علم‌شاه حسین

علم‌بزرگ شاه حسین این روزها در موزه مرکزی آستان قدس واقع در صحن کوثر قرار دارد. این علم را مرحوم غلامحسین غیور مرادی معروف به «شاه حسین علم‌کش» در دی‌ماه ۱۳۸۶ به موزه مرکزی اهدا کرده است. گفته می‌شود ساخت آن به صورت تدریجی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۶ انجام شده است. در حالی که برخی از تزیینات آن طلاکوب است. در این علم ۱۳ متری بایک‌تن وزن، شاپیه برای حمل، ۱۹ تیغه، ۲۶ شیر، ۳۳۰ پیر، ۱۰۰ شال، ۱۲۰۰ زنگوله و ۱۲۸ لامپ استفاده شده است. علامت زرکوب فولادی‌اش یکی از بخش‌های خاص این علم است که توجه بسیاری از بازدیدکنندگان را به خود جلب می‌کند. شاید در توضیح این علم همین بس باشد که علم ۷ تیغه فلزی به همراه مجسمه حجمی حیواناتی چون طاووس، کبوتر، گوزن، شیر، اژدها و گنجشک است. چند زنگوله نمادین در قسمت‌های مختلف، این علم را با شکوه تر نشان می‌دهد. در حالی که بر روی ۷ تیغه آن کتیبه آیات قرآنی و نام‌های الهی ائمه، زرکوب شده است.

۱. رسم به خیابان آمدن علم‌شاه حسین چه بود؟

هر محرم کار ما این بود که علم را سر شانه می‌گذاشتیم و هیئت به هیئت می‌بردیم. علم جلوی سینه‌زن‌ها تا حرم حرکت می‌کرد. وقتی علم‌شاه حسین حرکت می‌کرد به احترامش دیگر هیئت‌ها علم نمی‌آوردند. وقتی هم علم‌شاه حسین نبود، علم‌های دیگر حرکت می‌کردند.

۲. علم تا کجای می‌رفت؟

تا داخل صحن قدیم.

۳. شنیده‌ایم این اواخر اجازه نمی‌دادند علم‌شاه حسین به داخل حرم برود، دلیلش چه بود؟

درست است. اوایل علم به داخل حرم می‌رفت؛ اما به خاطر بزرگ بودنش ناچار بودیم وقتی زیر ساعت می‌رسیم، آن را خم کرده و طوقه بالا را باز کنیم. به داخل که می‌رفتیم طوقه را دوباره می‌بستیم. این اواخر به خاطر حفظ ایمنی و ترس از اینکه نکند علم به جایی گیر کند، دیگر اجازه نمی‌دادند علم‌شاه حسین وارد حرم شود. دلیلش فقط همین بود.

۴. دلایل علاقه شاه حسین به این علم چه بود؟

همه‌اش از عشق و علاقه‌اش به امام حسین (ع) نشئت می‌گرفت. جالب است بدانید که برای تزیین این علم کامیونش را - که تمام سرمایه‌اش بود - فروخت. چون دوست نداشت زیر بار قرض برود. او علم را دسته‌گل امام حسین (ع) می‌نامید و همه آرزویش این بود که بتواند روزی این دسته‌گل را به کربلا برود و همان جا بگذارد. حتی خاطرم هست که یک‌بار گفت: بیایید یک تریلی کرایه کنیم. علم را ببریم به عراق. اول در نجف طوافش دهیم. بعد ببریمش حرم حضرت عباس (ع) و پس از آن دسته‌گل تقدیمی‌مان به امام حسین (ع) را ببریم حرم خود آقا و همان جا بگذاریم.

۵. این آرزو چرا محقق نشد؟

آن روزها راه کربلا بسته بود. علاوه بر این بردن چنین علمی با این وزن چند نفر مرد قوی و بنیه و بلند قامت طلب می‌کرد. حوالی سال ۸۶ هم که خود شاه حسین بیمار شد و نتوانست - به قول خودش - دسته‌گلش را به کربلا برود، برای همین در نهایت آن را به موزه آستان قدس رضوی بخشید. مدت کوتاهی بعد از آن هم فوت کرد.



۶. اما شنیده‌ایم که شمایکبار این کار را کرده‌اید. داستان چه بود؟

یکی از سال‌ها، این اتفاق افتاد. حقیقتش دوتنفری که در سمت چپ و راست علم ایستاده بودند، با یکدیگر بر سر موضوعی دچار مشکل شده و همین باعث شد تا در میانه عزاداری ناگهان زیر علم را خالی کنند. من هم برای اینکه علم زمین نخورد تلاش کردم آن را نگه دارم. باورتان نمی‌شود از شدت سنگینی احساس می‌کردم هر آن ممکن است، چشم‌هایم از حدقه بیرون بزنند. بسا این همه علم را ۱۰ قدمی جلو بردم تا اینکه هیئتی‌ها ریختند و آن را نگه داشتند.

۷. پیش آمده است که علمی در میانه عزاداری زمین بخورد؟

بله. گاهی اوقات. البته رسم بود که هر وقت علم زمین می‌خورد، قربانی بدهند. جدای از این مسئله قربانی کردن جلوی علم هم یک رسم متداول در میان مردم بود.

۸. یکی از ویژگی‌های علم‌شاه حسین (ع) در آن دوران چراغانی بودنش بود، در این خصوص کمی توضیح می‌دهید؟

ما علم و طوق بزرگش را با لامپ‌های ۱۴ ولت تزیین کرده بودیم. این لامپ‌ها گاهی سخت پیدامی‌شدند، کلی باید می‌گشتید. یک سال محرم تعدادی از آن‌ها سوخته بود. عز گرفته بودیم که حالا چه باید کرد. توی خیابان بودیم که ناگهان جوانی با موتور جلوی پایمان ترمز زد. روبه‌شاه حسین پرسید: لامپ ۱۴ ولت لازم ندارید؟ شاه حسین به محض اینکه جواب مثبت داد، جوان دست کرد و از جعبه پشت موتورش ۲ کارتن لامپ در آورد، پولش را هم گرفت و رفت.

۹. علم به این بزرگی را معمولاً کجا نگهداری می‌کردید؟

این علم از تیغه و سطلش، به ۲ نیم تقسیم می‌شد که شاه حسین نیمی را در زیر زمین و نیم دیگر را در مهمان‌خانه منزلش نگهداری می‌کرد. محرم که می‌شد می‌رفتیم علم را از خانه خارج می‌کردیم و با گلاب شست و شومی دادیم و دوباره می‌بستیم. علم تا پایان ایام محرم و صفر بسته می‌ماند؛ چون باز کردنش کار زمان‌بر و سختی بود. برای همین ناچار بودیم علم را در خیابان نگهداریم. عقب‌نشینی بانک سپه در میدان شهدا، فلکه آب، فلکه طبرسی و ابتدای حرم معمولاً پاتوق ما برای نگهداری علم بود.

۱۰. برای علم اتفاقی نمی‌افتاد؟

فکر این را هم کرده بودیم؛ از آنجا که علم و وسایل قیمتی بسیاری داشت و بیم سرقتشان می‌رفت، هر شب ۲ مرد کامل سال تا صبح نگهبانی می‌دادند. من شب‌های بسیاری را کنار این علم به صبح رسانده و تیغه آفتاب اول صبح را از پشت تیغه‌های علم به تماشا نشسته‌ام.

۱۱. یعنی شب‌ها به خانه نمی‌رفتید؟

شروع محرم آغاز سخت‌گیری‌های شاه حسین بود. برای عزاداری اباعبدالله... کم نمی‌گذاشت؛ آن قدر که هر سال اول محرم وقتی همه هیئتی‌ها را برای رتق وفتق امور عزاداری صدایم زد، می‌گفت: بروید زن‌هایتان را تا پایان محرم طلاق بدهید. کسی حق ندارد تا ۳ روز بعد از دهه اول به خانه برگردد. گاهی پیش می‌آمد که تا ۴ شب هم به خانه نمی‌رفتم. بچه‌ها که بهانه می‌گرفتند، زخم دستشان را می‌گرفت و می‌آورد پای علم. اخلاقشان که خوش می‌شد، دوباره به خانه برمی‌گشتند.

